



نظم در لغت به معنی به یکدیگر پیوستن و به رشته کشیدن دانه های جواهر و در اصطلاح سخنی است که دارای وزن و قافیه باشد. با گذشت زمان، نظم را از روی تسامح به شعر اطلاق کرده اند. اما شعر با نظم فرق دارد و تفاوت آنها در این است که شعر کلام موزون و خیال انگیز است و بنابراین تعریف قافیه دار بودن جزء ماهیت شعر نیست و نثر شعرگونه یا شعر منثور هم می تواند وجود داشته باشد. طبق تعریف علمی امروزی شعر عبارت است از پیوند عاطفه و تخیل که در زبانی آهنگین شکل گرفته باشد و بنابراین تعریف عناصر سازنده شعر عبارت است از عاطفه، تخیل، زبان، موسیقی و تشکل.

اما نظم تنها کلامی موزون و مقفا است و از عنصر عاطفه و تخیل به دور. بنابراین نظم غیر شعر هم وجود دارد. مانند نصاب الصبیان ابونصر فراهی در لغت و الفیه ابن مالک در صرف و نحو عربی.

## انواع شعر

انواع شعر فارسی عبارت است از قصیده، غزل، قطعه، مثنوی، رباعی، دوبیتی، ترجیع بند، ترکیب بند، مسمط، مستزاد و چهارپاره.

قصیده: قصیده شعری است بر یک وزن و قافیه با مطلع هم قافیه در باره موضوع و مقصودی خاص همچون ستایش یا نکوهش، تهنیت یا تعزیت، شکر یا شکایت، فخر یا حماسه، پند و حکمت یا مسائل اجتماعی، اخلاقی و عرفانی. در خدافل پانزده بیت و به طور متوسط از بیست تا هفتاد، هشتاد بیت.

قصیده از نظر مضمون و محتوی از آغاز تا کنون دستخوش تغییراتی شده که به طور خلاصه به شرح زیر است:

(الف) در دوره سامانیان اغلب مضمون و محتوای قصیده ها، مدح و ستایش در حد اعتدال و مبالغه های شاعرانه بود.

(ب) در دوره غزنویان و سلجوقیان، مضمون و محتوای قصیده ها، مدح و ستایش سلاطین و وزرا با تملق و چاپلوسی به حد غلو و افراط در طرح تقاضا به حد سوال و تکدی بود.

(ج) ناصر خسرو با ایجاد تحول و انقلاب در مضمون قصیده آن را در خدمت توجیه و تبیین مبانی اعتقادی ائین اسماعیلیان درآورد.

(د) سنایی غالب قصیده را به مضامین دینی و عرفانی تخصیص داد و عطار، خواجو، جامی، اوحدی، شمس مغربی

و... شیوه او را ادامه دادند.

(ه) سعدی و پس از او سیف فرغانی قصیده را بیشتر در طرح مسائل اخلاقی و اجتماعی به کار گرفت.

(و) از دوران مشروطیت به بعد قصیده بیشتر در خدمت مسائل سیاسی و اجتماعی و ملی و ستایش آزادی قرار گرفت و در روشن کردن افکار جامعه کتاب خوان نقش مهمی داشت. مانند قصاید ملک الشعرای بهار.

غزل:

غزل در لغت به معنی حدیث عشق و عاشقی است و در اصطلاح شعری است بر یک وزن و قافیه با مطلع مصرع

که تعداد ابیات آن از پنج تا دوازده و گاهی تا شانزده و به ندرت که تعداد ابیات آن از پنج تا دوازده و گاهی تا شانزده و به ندرت نوزده و بیست است و لی کمتر از پنج بیت را غزل نامند.

## قطعه:

قطعه شعری ست بر یک وزن و قافیه بدون مطلع هم قافیه حداقل در دو بیت بیشتر در زمینه ها و مضامین اخلاقی، تربیتی و اجتماعی. قطعه را به این علت قطعه نامیده اند که گفته اند بخشی یا قسمتی از یک قصیده است. قطعه و قصیده ئر دو مورد تفاوت دارند (1) اختلاف در پیام و مضمون (2) قصیده دارای مطلع مصرع است و قطعه چنین نیست. ابن یمین، جامی، انوری، سعدی، پروین اعتصامی معروف ترین قطعه سرایان فارسی هستند.

مثنوی:

شعاری ست در یک وزن که هر بیت آن دارای قافیه مستقل است یعنی دو مصراع هر بیت هم قافیه است. به این دلیل که هر بیت آن مستلزم دو قافیه است به آن مثنوی گفته اند. تعداد ابیات آن محدود نیست و به همین دلیل برای به نظم درآوردن تاریخ، قصه ها و افسانه های طولانی استفاده می شود.











